

نقد و آسیب‌شناسی رویکرد همسان‌پنداری منابع فرهنگی قدرت به‌مثابه قدرت نرم

سیدمحمدجواد قربی (دانش‌آموخته کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی پژوهشکده امام خمینی)

۱۰ دی ۱۳۹۶

شماره مسلسل: ۴۴۰۰۴۵۱

شماره شاپا: ۵۳۸۵-۲۴۲۳

به پیروزی برسند. داشتن منابع تنها یک جنبه از قدرت است و قدرتی که یک کشور دارد، تنها تا زمانی دارایی ارزشمندی است که عوامل دیگر بدان پاسخ دهند. (۴) البته به نظر می‌رسد، مفهوم سازی نای از قدرت نرم مسئله ساز این موضوع شده است. وی قدرت نرم را توانایی جذب کردن می‌داند که اغلب با رضایت همراه است و آن را شیوه غیرمستقیم حصول به نتایج دلخواه معرفی می‌کند. (۵)

درعین حال، جوزف نای فقط برخی منابع قدرت نرم را به نحو ابهام‌آمیزی تشریح می‌کند و نمی‌گوید که با کدامین روش، منابع قدرت نرم می‌تواند به قدرت تبدیل شده، بر رفتار واقعی تأثیر بگذارد و برآیندهای مطلوب تولید کند. لاجرم، منابع قدرت نرم سرمایه‌هایی هستند که جذابیت لازم را برای توانمندی و عملکرد ملی بازیگران صاحب قدرت را ایجاد می‌کنند. با این اوصاف، مرز بین منابع قدرت با قدرت ملی، «بهره‌برداری» است. به این معنا که، بهره‌برداری مقیاس توانایی یک دولت در به دست آوردن منابعی است که برای تحقق اهداف خود لازم دارد و این به دست آوردن از طریق نیروی انسانی، مشارکت و همکاری تحقق می‌یابد. توانمندترین دولت‌ها، بخش بزرگ‌تری از منابع موجود را برای هدف‌های خود بهره‌برداری می‌کنند و تخصیص می‌دهند. از این رو، برای بهبود عملکرد ملی در ارتقاء قدرت نرم، لازم است تا از منابع مولد قدرت نرم در سامان سیاسی نیز بهره‌برداری منطقی، سنجیده، مشروع و هوشمندانه به عمل آید.

کنترل منابع قدرت نرم دشوار است و بسیاری از منابع مهم آن خارج از کنترل دولت‌ها قرار دارند و آثار آنها شدیداً متکی بر پذیرفته شدن از سوی مخاطبان است. به علاوه منابع قدرت نرم اغلب به صورت غیرمستقیم با شکل دادن به محیط برای اعمال سیاست عمل می‌کنند و گاه سال‌ها طول می‌کشد تا نتایج مطلوب را پدید آورند. درعین حال، منابع و شاخص‌های قدرت نرم همواره ثابت نبوده و همیشه با تحول بسترها و شرایط، آنها نیز تغییر می‌یابند. حال این سؤال اهمیت می‌یابد که آیا منابع قدرت، به خودی خود مولد قدرت نرم خواهند بود یا این که نیاز به فرایندی مؤثر در تبدیل منابع به قدرت نرم است؟ همان گونه که تشریح شد؛ منابع قدرت به مثابه قدرت نرم محسوب نمی‌شوند بلکه برای تولید قدرت نرم در فرایند عملکرد ملی، نیاز به بهره‌برداری منطقی از منابع و سیاست‌گذاری قدرت لازم است تا در شرایط و بسترهای زمانی و مکانی مختلف، منابع قدرت از توانایی بازتولید قدرت نرم برخوردار باشند.

یکی از آسیب‌های قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران، همسان‌پنداری یا این‌همانی منابع قدرت به مثابه قدرت است؛ این موضوع در حالی است که دارا بودن منابع قدرت، به معنای داشتن قدرت نیست بلکه نیازمند عملکرد ملی، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری صحیح ... است تا منابع بالقوه به قدرت بالفعل تبدیل شوند.

قدرت ملی منشأ و مبادی گوناگونی دارد و بر عوامل و منابع گوناگونی تکیه داشته و از آنها ناشی می‌شود. عوامل و منابع اصلی شکل‌دهنده قدرت ملی کشورها در حوزه‌های مختلفی قرار دارند. بدین ترتیب عوامل اقتصادی، فردی و شخصیتی، جغرافیایی، علمی و روحانی، اجتماعی و نظامی آن‌ها را تشکیل می‌دهند. بدین ترتیب عوامل اقتصادی، فردی و شخصیتی، می‌توانند منشأ قدرت کشورها باشند. (۱) قدرت نرم مانند سایر اشکال قدرت، برآیندی از برخی منابع است. اهمیت شناخت و آگاهی از منابع آن است که این منابع به میزان زیادی تعیین‌کننده ماهیت آن قدرت می‌باشند. پس قدرت نرم به وسیله منابع تولید می‌شود که به اعتقاد الکساندر آل ووینگ باید مبتنی بر خیرخواهی، شکوه و زیبایی باشند. (۲) البته جوزف نای در کتاب قدرت نرم به سه منبع فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و مطلوب‌های سیاست خارجی اشاره می‌کند. (۳)

به همین دلیل، گواه قدرت در منابع نیست، بلکه در رفتار تغییر یافته ملت‌ها است. با این منطوق، شیوه نگرستن به قدرت به مثابه منبع نیز شیوه‌ای نسبتاً ناپخته است. برخی از محققان معتقدند که قدرت را باید رابطه بالقوه و بالفعل میان عوامل دانست و نه دارایی (منابع) آنها. روزنا اعتقاد دارد شیوه قدرت به مثابه منبع نمی‌تواند راه‌حلی برای معماهای تجربی باشد که در آن برتری مادی برای قدرت‌های بزرگ در جنگ‌ها کافی نبود تا

کشور است؛ به یک معنا، کشورها تلاش می‌کنند تا فرهنگ خویش نظیر ادبیات، هنر، سینما، محصولات فرهنگی و... که در کشورشان وجود دارد را به عنوان یک برند و نماد مهم به جامعه جهانی معرفی نمایند تا از این طریق، قدرت متقاعدکنندگی منابع فرهنگی خود را ارتقاء بخشند. ایران در زمینه برندسازی منابع فرهنگی خود در عرصه‌های ادبیات، هنر، تاریخ فرهنگی و... عملکرد قوی‌ای نداشته است و لازم است با برنامه‌ریزی‌های صحیح در سطح ملی و بین‌المللی، شاخص‌های فرهنگی کشور ایران را با سرمایه‌گذاری و دقت نظر به برندهایی جهانی تبدیل نمایند که دستاورد آن، افزایش محبوبیت، شکوفایی، همگرایی و نفوذ، زیبایی اقدامات ایران در عرصه بین‌الملل خواهد شد.

پ. کم توجهی به سیاست‌گذاری فرهنگی صحیح برای ارتقاء توانمندی منابع فرهنگی قدرت نرم:

منابع قدرت برای کمک به افزایش قدرت نرم نیازمند سیاست‌گذاری صحیح و منطقی است. برخی از شاخص‌های سیاست‌گذاری فرهنگی که بر روند قدرت نرم ایران مؤثر است، شامل مواردی نظیر؛ مهندسی فرهنگی، رویارویی با فرهنگ مهاجم غربی و روند جهانی‌شدن فرهنگی، دفاع از فرهنگ‌های بومی در روندهای ملی، تقویت همگرایی فرهنگی، دولت‌مداری در عرصه فرهنگی و... است. توجه به این مؤلفه‌ها باعث می‌شود تا ضمن تقویت جایگاه منابع قدرت نرم ایران در سطح جهانی، استحکام ساختار درونی قدرت نرم هم به وجود آید.

ت. تزلزل در عملکرد ملی نسبت به مؤلفه‌های نرم‌افزاری قدرت:

افزایش توان نرم‌افزاری کشور ایران نیازمند انسجام در عملکرد ملی است؛ به گونه‌ای که با تغییر دولت‌ها، برنامه‌های کلان و برنامه‌ریزی‌شده میان و بلندمدت نباید تغییر چندان کند. اما در سال‌های اخیر شاهد تغییر و تحولات زیاد در عرصه کلان سیاسی کشور هستیم تا جایی که روند تغییر مدیریتی کشور با تغییرات عملکرد کلان ملی همراه می‌شود و همین موضوع از کارآمدی برنامه‌ریزی‌ها و انسجام در کسب منافع ملی را متزلزل می‌سازد.

ث. محدود بودن دیپلماسی فرهنگی و علمی:

مراودات دانشگاهی، بورس‌های تحصیلی، برگزاری سمینارهای فرهنگی، تقویت انجمن‌های دوستی، پیمان‌نامه‌های

در یک جمع‌بندی باید اذعان داشت که صرف داشتن منابع قدرت نرم، به تنهایی کافی نیست بلکه بسترسازی برای مولد ساختن منابع، سیاست‌گذاری، عملکرد صحیح ملی در حوزه بهره‌برداری از منابع قدرت، انسجام درونی در قدرت‌یابی نظام سیاسی و... لازم و بایسته است و افرادی که منابع قدرت را به‌مثابه قدرت نرم در نظر می‌گیرند، اشتباه راهبردی می‌نمایند و دچار نگرش حداقلی به منابع قدرت هستند و به فرایند تبدیل منابع به قدرت توجهی ندارند که رسوخ این دیدگاه به سطوح مختلف مدیریت استراتژیک کشور، می‌تواند آسیب‌ها و زیان‌های فراوانی را به قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران وارد سازد. پس، منابع قدرت نرم، برای تبدیل شدن از منبع به قدرت (از قوه به فعل در آمدن) نیازمند رسانه‌ها، اتاق‌های فکر، مراکز پژوهشی و تحقیقاتی، سرمایه‌گذاری فرهنگی، فعال‌سازی دیپلماسی عمومی، بهره‌گیری از ظرفیت‌های مردم‌نهاد و... است.

قاعدتاً برای فعال‌سازی منابع فرهنگی قدرت نرم، آسیب‌های پیش روی قدرت نرم ایران را مرتفع نمود. ایران از منظر سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، علمی، اجتماعی و... دارای منابع متعدد قدرت نرم است اما برخی از آسیب‌های پیش روی قدرت نرم فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به قرار زیر است:

الف. همسان‌پنداری منابع فرهنگی قدرت با قدرت نرم:

اولین آسیب پیش روی منابع قدرت نرم ایران، نگرش این‌همانی و همسان‌پنداری منابع فرهنگی قدرت در جامعه ایرانی با قدرت نرم است. عده‌ای از افراد و کارگزاران با برشمردن منابع فرهنگی قدرت، از آنها با عنوان قدرت نرم یاد می‌کنند و این در حالی است که منابع فرهنگی قدرت برای تبدیل شدن به قدرت نرم، نیازمند عملکرد منطقی و سیاست‌گذاری صحیح است و منابع فرهنگی به‌صورت بالقوه نمی‌توانند بازتولید قدرت نرم نمایند بلکه برای بالفعل کردن این منابع فرهنگی به قدرت نرم، باید مجموعه دستگاه‌های ملی کشور برای ارتقاء ظرفیت قدرت نرم از طریق منابع موجود تلاش نمایند.

ب. بی‌توجهی به برند ملی و بین‌المللی نمودن مؤلفه‌های فرهنگ ایرانی:

یکی از موضوعاتی که مؤلفه‌های فرهنگی کشورها را تبدیل به قدرت نرم می‌کند، برندسازی فرهنگ غنی و بومی

دانشگاهی و... در سال‌های اخیر توانسته است دیپلماسی فرهنگی و علمی ایران را فعال‌تر سازد اما این روند نیازمند برنامه ریزی و اقدامات پیوسته و متوالی است و در این خصوص هیچ گونه سند و سیاست کلی تدوین نشده است که چگونه باید از این فرصت‌های علمی و فرهنگی بهره برد. مثلاً برای پذیرش دانشجویان بورس تحصیلی در ایران، برنامه خاصی طراحی نشده است و خیلی از این فرصت‌هایی که می‌توانند در آینده قدرت نرم ایران مؤثر باشند، هدر می‌روند. از این رو لازم است تا سند ملی دیپلماسی علمی و فرهنگی کشور تدوین شود تا از هد رفت فرصت‌های فرهنگی و علمی کشور جلوگیری نماید و با ترسیم چشم‌انداز دیپلماسی عمومی کشور، فرصت‌های لازم را در اختیار تعالی و رشد قدرت نرم ایران فراهم آورد.

بعد از این آسیب‌شناسی، باید اذعان داشت که برای ارتقای قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران باید راهکارهای میان مدت و بلندمدت را مدنظر داشت که این راهکارها در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی و علمی باید مورد توجه قرار گیرد. برخی از راهکارها به شرح زیر است: گسترش فعالیت‌های هدفمند علمی در آسیای مرکزی و قفقاز با رویکردی بر دیپلماسی فعال علمی، معناسازی و پاسخگویی به معضلات تئوریک در جهان اسلام برای مطرح کردن ایران به عنوان مرجعیت علمی در قلمرو کشورهای اسلامی، برنامه‌ریزی هدفمند در زمینه جذب دانشجویان بورسیه در راستای تعمیق ارزش‌های ایرانی و نهادینه‌سازی فرهنگ رایج ایرانی در آنها، حضور فعال در سمینارها و کنفرانس‌های بین‌المللی، تلاش برای رشد کمی و کیفی فعالیت‌های علمی ایران در پایگاه‌های معتبر استنادی جهان، گسترش همکاری‌های دو و چندجانبه با کشورهای پیشرفته در حوزه‌های علوم کاربردی، تلاش برای بومی‌سازی دانش و علوم استراتژیک (مرزشکنی دانش)؛ الهام‌بخشی فرهنگی ایران در جهان اسلام، پویایی فعالیت‌های رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران در کشورهای اسلامی در راستای اهداف استراتژیک خود، میزبانی از نشست‌ها و برنامه‌های فرهنگی معتبر جهانی، صدور فرهنگی ارزش‌های ایرانی به جامعه جهانی با بهره‌گیری از ابزارهای ارتباطی نوین، نهادینه‌سازی مفاهیم ارزشی ایران در کشورهای اسلامی به وسیله نهادهای فرهنگی، تولید محتوای فرهنگی برای نوجوانان و جوانان (نظیر حضور فعال در صنایع عروسک‌سازی، بازی‌های رایانه‌ای، انیمیشن‌سازی، برنامه‌های سرگرمی و...)، فعال‌سازی انجمن‌های دوستی بین ایران و کشورهای همسایه، تقویت جایگاه دیپلماسی عمومی ایران در محیط بین‌الملل و غیره.

منابع

- (۱) زرقانی، سیدهادی (۱۳۸۸): «سنجش و رتبه‌بندی قدرت ملی کشورها در جهان اسلام»، جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره اول، پاییز و زمستان، شماره ۲، ص ۴.
- (۲) ووینگ، الکساندر. ال (۱۳۸۸): «کارکرد قدرت نرم»، ترجمه مهرداد مرادی، فصلنامه سیاست راهبردی، سال اول، پائیز، شماره ۴، ص ۱۳۶
- (۳) Nye, Joseph (۲۰۰۴): *Soft Power: The Means to Success in World Politics*, New York, Public Affairs.
- (۴) رینولد، ترزا (۱۳۸۹): قدرت نرم و سیاست خارجی آمریکا. ترجمه مجید رسولی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، صص ۵۲-۵۳.
- (۵) پورسعید، فرزاد (۱۳۸۹): «رویکردی انتقادی به نظریه قدرت نرم»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال هشتم، بهار، شماره ۲۸، ص ۶۷

استفاده از مطالب با ذکر منبع آزاد است.

متون سیاستی منتشرشده در شمس، بیانگر دیدگاه نویسندگان بوده و لزوماً نظر این شبکه نیست.